**جلسه نود و ششم ۱۵/۲/۱۳۹۵**

نتیجه بحث این شد که به نظر ما حُسن ظاهر أماره و طریق تعبُّدی به عدالت است. اما اینکه حُسن ظاهر را مقیَّد کنیم که کاشف از علم یا ظن یا وثوق به عدالت باشد دلیل اعتبار ندارد و مُثبتی نیست که بتواند این قید را اثبات کند بلکه نفس حُسن ظاهر کافی است در اینکه ما را به عدالت شخص آگاه می­کند.

**راه دوم اثبات عدالت:** ( شهادت دو عادل است و تثبُّت بشهاده عدلین )

 در این باره دلائلی ذکرشده است.

**دلیل اول*:*** ادله حجیَّت بیّنه:

**توضیح:** در اصول فقه حجیَّت بیّنه را از طریق سیره عقلاء و روایات و آیه نبأ اثبات کرده اند بنابر اینکه حجیَّت بیّنه تعمیم داشته باشد یعنی همه موضوعات و احکام را شامل شود ما می­توانیم برای اثبات عدالت از شهادت دو عادل یعنی بیّنه استفاده کنیم .

عمده ادله حجیَّت بینه روایت مسعده بن صدقه است

علِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ‏ كُلُّ شَيْ‏ءٍ هُوَ لَكَ حَلَالٌ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ حَرَامٌ بِعَيْنِهِ فَتَدَعَهُ مِنْ قِبَلِ نَفْسِكَ وَ ذَلِكَ مِثْلُ الثَّوْبِ يَكُونُ عَلَيْكَ قَدِ اشْتَرَيْتَهُ وَ هُوَ سَرِقَةٌ أَوِ الْمَمْلُوكِ عِنْدَكَ وَ لَعَلَّهُ حُرٌّ قَدْ بَاعَ نَفْسَهُ أَوْ خُدِعَ فَبِيعَ أَوْ قُهِرَ أَوِ امْرَأَةٍ تَحْتَكَ وَ هِيَ أُخْتُكَ أَوْ رَضِيعَتُكَ **وَ الْأَشْيَاءُ** كُلُّهَا عَلَى هَذَا حَتَّى‏ يَسْتَبِينَ‏ لَكَ‏ غَيْرُ ذَلِكَ أَوْ تَقُومَ بِهِ الْبَيِّنَةُ

عنوان اشیاء همهِ موضوعات و احکام شرعیه را شامل می­شود لذا در بحث عدالت اقامه بیّنه حجّت است ،و اگر دو عدل بر عدالت او شهادت دهند کفایت می­کند .

**دلیل دوم:** صحیحه ابن ابی یعفور است : فاذا سئل عنه **في‏ قبيلته‏ و محلّته** قالوا ما رأينا منه إلّا خيراً مواظباً على الصّلوات متعاهداً لأوقاتها في مصلّاه فانّ ذلك يجيز شهادته و عدالته بين المسلمين.

این عنوان دلالت بر شهادت اهل محل بر ثبوت عدالت آن فرد دارد لکن یک ضمیمه می­خواهد و ضمیمه در این جا إجماع علماء بر عدم لزوم شهادت اکثر از دو نفر است .پس دلالت این دو حدیث به انضمام إجماع ثابت می­کند که شهادت دو عادل بر عدالت فردی مُثبت عدالت است.

**اشکال:**

به نظر ما این حدیث دلالت بر حُسن ظاهر می­کند به قرینه **قالوا ما رأینا منه الا خیرا** و به قرینه **قبیلته و محّلته** که عام است و مقیَّد به عدالت نشده است.

علاوه بر آنکه ما منکر إجماع تعبُّدی بودیم زیرا إجماعی که کاشف از رأی معصوم باشد در مسئله ثبوت عدالت نداریم که همه مجمعین بفرمایند عدالت به بیّنه ثابت می­شود چنین إجماعی که کاشف از رأی معصوم باشد نداریم. ما رأینا دال بر حسن ظاهر.